



سید هادی سید افقهی، کارشناس مسائل غرب آسیا در گفت و گوبا «ایران»، تأثیرات منطقه ای مصاحه تهران-ریاض را بویژه بر تحولات سوریه تشریح کرد

رژیم صهیونیستی بازنده معادلات جدید خاورمیانه



هدف اصلی

شکل گیری

محور

مقاومت،

مقاومت در

برابزرژیم

غاصب

صهیونیستی

است، این

هدف هرگز

تغییر پیدا

نمی کند.

بامصالحه

ایران و

عربستان یا

پایان جنگ

یمن و آشتی

عربستان

و سوریه،

ماهیت و

هدف محور

مقاومت

کماکان بر سر

جای خودش

باقی است و

با قدرت هم

به کار خود

ادامه می دهد

پیش از پرداختن به تلاش های عربستان سعودی و سوریه برای احیای روابط دوجانبه، روی توافق سه جانبه یکن و ازسریگری مناسبات تهران - ریاض تمرکز کنیم. چرا که به باور بسیاری از کارشناسان و ناظران این توافق عملاً موتور محرکه تحولات جدید در منطقه غرب آسیا از پایان جنگ یمن تا احیای روابط عربستان و سوریه و گرم شدن مناسبات گروه های فلسطینی با ریاض است. به نظر رسد، مشخصاً ازسریگری روابط ایران و عربستان تا چه اندازه بر تلاش های ریاض و دمشق برای احیای مناسبات دوجانبه اثرگذار بوده است؟

پیش از پرداختن به تلاش های عربستان سعودی و سوریه برای احیای روابط دوجانبه، روی توافق سه جانبه یکن و ازسریگری

مناسبات تهران - ریاض تمرکز کنیم. چرا که به باور بسیاری از کارشناسان و ناظران این توافق عملاً موتور محرکه تحولات جدید در منطقه غرب آسیا از پایان جنگ یمن تا احیای روابط عربستان و سوریه و گرم شدن مناسبات گروه های فلسطینی با ریاض است. به نظر رسد، مشخصاً ازسریگری روابط ایران و عربستان تا چه اندازه بر تلاش های ریاض و دمشق برای احیای مناسبات دوجانبه اثرگذار بوده است؟

پیش از پرداختن به تلاش های عربستان سعودی و سوریه برای احیای روابط دوجانبه، روی توافق سه جانبه یکن و ازسریگری

مناسبات تهران - ریاض تمرکز کنیم. چرا که به باور بسیاری از کارشناسان و ناظران این توافق عملاً موتور محرکه تحولات جدید در منطقه غرب آسیا از پایان جنگ یمن تا احیای روابط عربستان و سوریه و گرم شدن مناسبات گروه های فلسطینی با ریاض است. به نظر رسد، مشخصاً ازسریگری روابط ایران و عربستان تا چه اندازه بر تلاش های ریاض و دمشق برای احیای مناسبات دوجانبه اثرگذار بوده است؟

بدون شک مصالحه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، هم آثار مشهود میدانی و بازتاب های بیرونی داشته و هم فعل و انفعال های سیاسی و دیپلماتیک منطقه ای را شکل داده است. اکثر آگاهان سیاسی و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی مطالعات استراتژیک معتقدند، روز به روز آثار مثبت آشتی تهران و ریاض بر مناسبات منطقه ای و بین المللی بیشتر و بیشتر خواهد شد. تأثیرات این مصالحه در سه سطح قابل بررسی است: سطح اول به آثار آن در روابط دوجانبه ایران و عربستان بازمی گردد. سطح دوم ناظر به

آیا سناریوی تقسیم وظایف بین کشورهای عربی با محوریت پلیس خوب و پلیس بد را نزدیک به واقعیت می دانید؟ و بر این مبنا

می توان گفت، اکنون قطر نقش پلیس بد و عربستان نقش پلیس خوب را دارد؟

روى سطح دوم تأثیرات مصالحه ایران و عربستان بر مناسبات منطقه ای و مشخصاً بهبود روابط دمشق - ریاض تمرکز کنیم، به باورتان چرا ریاض تا به این حد

تایل به بازگشت سوریه به اتحادیه عرب دارد؟

چون نباید فراموش کنیم که سوریه یکی از بنیانگذاران اتحادیه عرب بوده و باید هر چه سریع تر تعلیق عضویت سوریه در این اتحادیه اتمام پیدا کند.

اما در این بین عربستان با سدی به نام قطر و چهار کشور یمن، مصر، کویت و مراکش مواجه است. به باورتان چرا دوحه مخالف بازگشت دمشق به اتحادیه عرب است؟ و آیا قطر می تواند در برابر تلاش های عربستان سعودی برای شرکت بنشار اسد در نشست سران این اتحادیه در ریاض مقاومت کند یا خیر؛ چون ظاهراً تا به اینجای کار زور قطر چربیده و با مخالفت های دوحه، نشست منشورنی جده علی رقم بیانیه پایدی مثبت نتوانست اهداف عربستان را محقق کند.

پیش از هر چیز معتقدم قطر سطح تاب آوری در برابر موج آثار

مثبت روانی و همچنین تبعات سازنده سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی مصالحه ایران و عربستان در مناسبات منطقه ای را ندارد. اما اینکه چرا دوحه مخالف بازگشت دمشق به اتحادیه عرب است، سوآلی است که محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست وزیر امور داخلی سوریه است و مدعی است، هر وقت اختلافات سیاسی نظام سوریه با مخالفان و جریان اپوزیسیون حل شد آن زمان ستر برای بازگشت سوریه به اتحادیه عرب فراهم می شود. اما باید از قطری ها پرسید که شما به چه حکمی و با چه توجیه و منطقی می توانید در مسائل داخلی سوریه یاد دیگر کشورها دخالت کنید؟! نباید فراموش کنیم که از ابتدای جنگ داخلی در سوریه تا به امروز، قطر خود را تا خرخره در این گرفتار و این همه هزینه و کشتار را هم بر ملت سوریه تحمیل کرد. با این همه هنوز رسانه های قطری زمانی که می خواهند از داعش نام ببرند آن را دولت اسلامی عراق و شام می نامند.

تقسیم نقش بین کشورهای عربی در قبال سوریه احتمال خارج از تصویری نیست و ممکن است،

واقعاً این نقش ها از بیرون بین کشورهای عربی تقسیم شده باشد تا بتوانند سوریه را در مسیر مدنظر خود کنترل و مدیریت کنند. به همین دلیل بحرین، مصر، کویت، اردن، عربستان، قطر، عمان و دیگر کشورهای عربی، خود اتحادیه عرب، شوری همکاری خلیج فارس و... نقش های متفاوتی را بر عهده دارند.

اما در کنار آن فرضیه دومی هم وجود دارد. بر مبنای این فرضیه، قطر واقعاً به دنبال تأمین منافع خود در تحولات سوریه است. به هر حال نباید فراموش کنیم اولین کشور عربی که در جنگ داخلی سوریه دخالت کرد، قطر بود. نقش حمد بن جاسم آل ثانی در جنگ داخلی سوریه که پیش از ورود جدی سعودی ها در مسائل سوریه صورت گرفت، هرگز از خاطر نمی رود. اما باید در نظر داشت که اگر این فرضیه درست باشد واقعاً مخالفت و تلاش های قطر برای جلوگیری از

بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، آن هم به بهانه واهی تعیین تکلیف حل و فصل اختلافات نظام سوریه با مخالفان و جریان اپوزیسیون تنها به وجهه و اعتبار دوحه در منطقه و جهان صدمه می زند. چون این مسأله ای است که قطعاً به خود سوریه ارتباط دارد و هیچ کشوری نمی تواند در امور سوریه یا کشور دیگری دخالت کند. آن هم در شرایطی که ما طی سال های اخیر شاهد دیپلماسی هوشمندانه و عاقلانه از طرف قطری ها بوده ایم و جا دارد که مجدداً دوحه در راستای همان دیپلماسی عاقلانه رفتار درست و مثبتی بر منافع همه در منطقه را در قبال سوریه اتخاذ کند.

مناسبات مثبت تهران - دوحه می تواند در تغییر نگاه قطر مؤثر باشد؟

قطعاً تهران می تواند در این راستا نگاه دوحه را تغییر دهد. اتفاقاً اخباری دال بر تلاش های میانجیگرایانه جمهوری اسلامی ایران برای تغییر نگاه قطری ها هم مطرح است تا سوریه به اتحادیه جمهوری اسلامی ایران نوانست در روابط ترکیه و سوریه میانجیگری کند و به دستاوردهای مثبت و چشمگیری هم برسد. البته برای من هنوز روشن نیست که روند حقوقی بازگشت سوریه به اتحادیه عرب چگونه خواهد بود. آیا نیاز به اجماع است یا اکثریت آرای اعضا می تواند سوریه را به اتحادیه عرب بازگرداند و ۵۰+۱ درصد رأی این مسأله را محقق کند؟ از آنجا که در تعلیق عضویت سوریه از اتحادیه عرب اجماعی صورت نگرفت، اگر بازگشت سوریه به اتحادیه عرب تنها به اکثریت آرای اعضا نیاز داشته باشد به نظر من مخالفت قطر، کویت، مصر، مراکش و یمن نمی تواند تعیین کننده و سرنوشت ساز باشد.

اگرچه در طول مصاحبه نگاه مثبتی به تحولات منطقه بعد از مصالحه تهران و ریاض داشتید و از آن طرف ترمیم روابط عربستان و سوریه را هم مثبت ارزیابی کردید، اما فیصل

هداد، وزیر خارجه سوریه در گفت وگویی با شبکه الجزایر، نکات مهمی را مطرح کرده بود، دال بر اینکه انجام تلاش برخی کشورهای عربی و پالیس های مثبت برای بازگشت سوریه به اتحادیه عرب به معنای نادیده گرفتن اختلافات و مشکلات برچای مانده نخواهد بود. آیا در صورت نادیده گرفتن این اختلافات ریشه ای، امکان دارد حتی در صورت بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، روابط شکننده

به جایی برسد که باز هم شاهد بازگشت به نقطه صفر باشیم؟

بله. نباید فراموش کنیم این حق سوریه است که مطالبات، پیش شرطها و خواسته های خود را از آن دسته کشورهای عربی داشته باشد که مستقیماً در آغاز جنگ داخلی و هزینه های تحمیل هرزینه های عظیم، گزاف و کشتار

عظیم، آوارگی میلیون ها سوری و ویرانی گسترده این کشور نقش داشتند

یکی از شائبه هایی که در محافل سیاسی و رسانه ای بعد از مصالحه ایران و عربستان و همچنین پایان جنگ یمن، ترمیم روابط ریاض - دمشق و حضور هیأت حماس در عربستان مطرح شد این بود که

اگرچه در طول مصاحبه نگاه مثبتی به تحولات منطقه بعد از مصالحه تهران و ریاض داشتید و از آن طرف ترمیم روابط عربستان و سوریه را هم مثبت ارزیابی کردید، اما فیصل هداد، وزیر خارجه سوریه در گفت وگویی با شبکه الجزایر، نکات مهمی را مطرح کرده بود، دال بر اینکه انجام تلاش برخی کشورهای عربی و پالیس های مثبت برای بازگشت سوریه به اتحادیه عرب به معنای نادیده گرفتن اختلافات و مشکلات برچای مانده نخواهد بود. آیا در صورت نادیده گرفتن این اختلافات ریشه ای، امکان دارد حتی در صورت بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، روابط شکننده

جهان

جهان

مقاومت

محور مقاومت دیگر کارکرد سابق را ندارد. ارزیابی شما در این خصوص چیست؟

چنین شائبه ای به هیچ وجه صحیح نیست. محور مقاومت هرگز هدف تقابل با عربستان، قطر، امارات، بحرین، مصر، کویت یا دیگر کشورهای عربی را در سر نداشته و اگر هم در سوریه یا یمن در برابر عربستان، امارات، بحرین، مصر و قطر مبارزه کرده، به دلیل ویرانگر هشت ساله یمن نقش عربستان سعودی و امارات و در جنگ خانمان سوز سوریه هم نقش قطر و عربستان سعودی بر همه آشکار است. بیانیه های رسمی، موضع گیری های سران و مقامات این کشورها، حمایت های سیاسی، اقتصادی، لجستیکی، نظامی و دفاعی از تروریست ها در هر دوی این جنگ ها وجود دارد. پس بدون شک مشکلات هنوز حل نشده است و اگرچه فضا مثبت ارزیابی می شود، اما باید خواسته ها و مطالبات سوری ها و همچنین یمنی ها شنیده شوند. البته عربستان، بحرین و امارات از آمادگی خود برای بازسازی یمن گفتند که هزینه آن بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار است. حالا باید دید عربستان، امارات، بحرین و دیگر کشورها به عنوان طرف متجاوز حاضر به پرداخت این غرامت و هزینه بازسازی خواهند بود یا خیر. در کنار آن عربستان در یک موضع گیری کلی دیپلماتیک همراه با امارات از آمادگی خود برای بازسازی سوریه هم گفته است که باید دید این موضع گیری هم در مقام عمل تا چه حد پیش خواهد رفت و آیا می توان آن را به معنای پرداخت غرامت به سوریه در نظر گرفت؟

به باورتان هدف سوریه از بیان این مواضع چیست؟

یک فرضیه احتمالی این است که شاید سوریه واقعاً به دنبال گرفتن همین غرامت و خسارت ناشی از تحمیل جنگ توسط کشورهای عربی منطقه باشد. یعنی دمشق با این مطالبات، خواسته ها و پیش شرطها، سعی دارد دست آلناری را در مذاکرات خود با عربستان و اتحادیه عرب داشته باشد تا موضوع با یک امضا، بیک نشست، مکس یادگاری و دیده بوسی به فراموشی سپرده نشود. از طرف دیگر هنوز هم بعد از بیش از ۱۰ سال جنگ داخلی بخشی از مناطق سوریه تحت اشغال گروه های تروریستی است که مورد حمایت کشورهای منطقه است. پس این امکان وجود دارد که سوریه تلاش می کند با این موضع گیری ها و طرح پیش شرطها به قطع و یا حداقل محدود کردن حمایت کشورهای عربی از گروه های تروریستی حاضر در مناطق اشغالی سوریه برسد. البته نمی خوام از عربستان دفاع کنم چون یکی از منقدترین کارشناسان به سیاست های عربستان در شبکه های عربی بودم، اما به هر حال باید بپذیریم تازه ای را در سیاست های منطقه ای خود گشوده است. دیگر خبری از آن سیاست های متجاوزانه و مداخله یوانانه نیست. پس جا دارد دیگر طرف ها هم با یک دید مثبت به سمت کاهش تنش و بهبود مناسبات منطقه ای و تقویت امنیت منطقه غرب آسیا پیش بروند. چون قطعاً تنها برنده نامینی و اعضای این اتحادیه عربی و کشورهای جهان اسلام، رژیم غاصب صهیونیستی است.

یکی از شائبه هایی که در محافل سیاسی و رسانه ای بعد از مصالحه ایران و عربستان و همچنین پایان جنگ یمن، ترمیم روابط ریاض - دمشق و حضور هیأت حماس در عربستان مطرح شد این بود که سوریه هم به اتحادیه عربی و پالیس های مثبت برای بازگشت سوریه به اتحادیه عرب به معنای نادیده گرفتن اختلافات و مشکلات برچای مانده نخواهد بود. آیا در صورت نادیده گرفتن این اختلافات ریشه ای، امکان دارد حتی در صورت بازگشت سوریه به اتحادیه عرب، روابط شکننده

سؤال شما دو بخش داشت که باید به صورت جداگانه به آن پاسخ دهم. در خصوص ایجاد جبهه ضدصهیونیستی با محوریت سوریه، من این خوش بینی را ندارم که دمشق بتواند به تشکیل چنین جبهه ای نایل شود. چون واقعاً هنوز تکلیف جهان عرب با رژیم غاصب صهیونیستی روشن نیست. برخی کشورها به دنبال عادی سازی روابط و برخی به دنبال تقابل با صهیونیست ها هستند. اکنون یک فضای مهمم و سردرگمی در این کشورها وجود دارد. در عین حال تناقض های بسیار زیادی در میان کشورهای عربی بر سر زعامت جهان عرب وجود دارد. نماد چنین اختلافاتی در کنفرانس جده با حضور دونالد ترامپ مشهود بود و به همین دلیل بود که برخی

کشورهای عربی در این نشست حضور پیدا نکردند. پس از ترامپ، جو بایدن هم به دنبال تشکیل جبهه متحد عبری- عربی- غربی بود که خیلی از کشورها در این جبهه بندی شرکت نکردند. پس این وفاق و همبستگی عربی، نه از دل اتحادیه عرب بیرون آمد و نه از دل دیگر توافقات. چون تناقضات زیادی در جهان عرب وجود دارد، به خصوص در قبال رژیم غاصب صهیونیستی. از طرف دیگر سوریه در زمانی که درگیر جنگ داخلی نبود و عضو اتحادیه عرب هم بود، نمی توانست چنین جبهه ای را تشکیل دهد، چه برسد به اکنون که این کشور از نظر اقتصادی وضعیت خوبی ندارد و جایگاه او در جهان اسلام و جهان عرب هم با توجه به تحولات چند سال گذشته ضعیف تر است. پس توانی برای این اجماع سازی از سوی سوریه وجود ندارد. تنها راه تشکیل جبهه ضد صهیونیستی از مسیر محور مقاومت می گذرد. البته انتظاری هم نداریم که همه کشورهای جهان عرب و به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس به این محور بپیوندند، اما نکته ای که در بحث دوم سؤال شما باید به آن پاسخ داد شود این است که سوریه در این محور هم به کار خود ادامه می دهد. اتفاقاً این مصالحه و آشتی و پایان جنگ یمن و ترمیم روابط عربستان و سوریه می تواند به تقویت محور مقاومت کمک کند.

چطور؟

چون اکنون دیگر اصطکاک سیاسی، جنگ، تنش نامنی و تجاوز در یمن و سوریه پایان پیدا کرده است. دیگر بخشی از محور مقاومت در یمن و سوریه درگیر نیست و به دنبالش محور مقاومت، تمرکز خود را روی تقابل با تحرکات و تجاوزات رژیم غاصب صهیونیستی خواهد گذاشت.

در تحلیل تان از رژیم صهیونیستی نام بردید. یکی از اهدافی که برای سوریه در احیای روابط با عربستان و دیگر کشورهای عربی منطقه مطرح است، به ایجاد یک جبهه مشترک عربی در برابر تجاوزات صهیونیست ها باز می گردد. در همین رابطه فیصل مقداد در سفری که به عربستان، تونس، الجزایر و دیگر کشورهای داشته و با در سفرهایی که دیگر کشورهای عربی به سوریه داشته اند همواره بر حق صهیونیستی در برابر تجاوزات اسرائیل تأکید کرده است. از سوی دیگر عملکرد کابینه نتانیاهو طی شش ماه گذشته باعث شده است، کشورهای عربی هم در یک گسل سیاسی و دیپلماتیک با صهیونیست ها قرار گیرند که فضای مثبتی را برای دمشق ایجاد کرده است. ارزیابی شما در این باره چیست؟

سؤال شما دو بخش داشت که باید به صورت جداگانه به آن پاسخ دهم. در خصوص ایجاد جبهه ضدصهیونیستی با محوریت سوریه، من این خوش بینی را ندارم که دمشق بتواند به تشکیل چنین جبهه ای نایل شود. چون واقعاً هنوز تکلیف جهان عرب با رژیم غاصب صهیونیستی روشن نیست. برخی کشورها به دنبال عادی سازی روابط و برخی به دنبال تقابل با صهیونیست ها هستند. اکنون یک فضای مهمم و سردرگمی در این کشورها وجود دارد. در عین حال تناقض های بسیار زیادی در میان کشورهای عربی بر سر زعامت جهان عرب وجود دارد. نماد چنین اختلافاتی در کنفرانس جده با حضور دونالد ترامپ مشهود بود و به همین دلیل بود که برخی



اکنون عربستان سعودی فصل تازه ای را در سیاست های منطقه ای خود گشوده است. دیگر خبری از آن سیاست های متجاوزانه و مداخله یوانانه نیست. پس جا دارد دیگر طرف ها هم با یک دید مثبت به سمت کاهش تنش و بهبود مناسبات منطقه ای و تقویت امنیت منطقه غرب آسیا پیش بروند. چون قطعاً تنها برنده نامینی و اعضای این اتحادیه عربی و کشورهای جهان اسلام، رژیم غاصب صهیونیستی است.



برش